



## The Moderating Role of Ownership Concentration on the Relationship between Right to Attend Audit Committee and Earnings Management

- Peyman Amini<sup>1</sup>
- Poorya Dorafshanian<sup>2</sup>

### Abstract

Legislators and professional institutions have used various monitoring procedures to disclose relevant and reliable financial information. The audit committee is one of the most important management criteria of a company, which, along with the characteristics of the company's ownership, has an effect on the components of accountability and transparency. Stock companies always hold meetings with members of the audit committee regarding the important and key issues of the company. The purpose of this research is to predict Earnings Management with Right to Attend Audit Committee variables, ownership concentration and other control variables. The data received by the companies from Rahavard Novin software and Codal website in the period from 2018 to 2022 (5 years - 84 companies) were analyzed with Spss18 and EvIEWS6 software. The findings showed that there is a significant positive relationship between the Right to Attend Audit Committee and Earnings Management, and the concentration of ownership has an effect on this relationship. Ownership and audit committee are two important regulatory components that affect companies' profit management policies, and therefore analysts and other stakeholders of companies can benefit from the results of this research for their decisions. Legislators and professional institutions should also provide procedures to improve the characteristics of the audit committee and ownership of companies.

**Key words:** Concentration of Ownership, Right to Attend Audit Committee, Earnings Management.

---

<sup>1</sup>. Department of Accounting, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran (Corresponding author). Email: p.amini@uok.ac.ir

<sup>2</sup> Chief Auditor of the Supreme Audit Court, Tehran, Iran. Email: Dorafshanianp@gmail.com

## نقش تعدیل‌کنندگی تمرکز مالکیت بر رابطه حق حضور کمیته حسابرسی و مدیریت

### سود

- پیمان امینی<sup>۱</sup>
- پوریا درافشانیان<sup>۲</sup>

#### چکیده

قانون‌گذاران و نهادهای حرفه‌ای در جهت افشای مربوط و قابل اتکای اطلاعات مالی از رویه‌های نظارتی مختلفی استفاده نموده‌اند. کمیته حسابرسی به عنوان جزئی از ساختار حاکمیت شرکتی، موظف بر نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی می‌باشد و محدود کردن مدیریت سود یکی از مزایای اصلی شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی به شمار می‌رود. همچنین نوع ساختار مالکیت شرکت‌ها می‌تواند بر میزان مدیریت سود تاثیرگذار باشد. هدف این پژوهش بررسی تاثیر حق حضور کمیته حسابرسی بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل‌گری تمرکز مالکیت است. داده‌های پژوهش در دوره زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ (۵ سال - ۸۴ شرکت) جمع‌آوری گردید و از روش آماری رگرسیون برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین حق حضور کمیته حسابرسی با مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به طوری که هر چقدر سطح حق حضور کمیته حسابرسی بالاتر باشد، مدیریت سود بیشتری انجام می‌شود. همچنین متغیر تعدیلگر تمرکز مالکیت ضمن معنادار بودن، نقش کاهشی در ارتباط بین متغیرهای اصلی دارد. بنابراین حق حضور کمیته حسابرسی و تمرکز مالکیت دو مولفه مهم نظارتی هستند که بر مدیریت سود شرکت‌ها اثرگذار هستند.

**واژگان کلیدی:** تمرکز مالکیت، حق حضور کمیته حسابرسی، مدیریت سود.

۱ گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: p.amini@uok.ac.ir

۲ سرحسابرس دیوان محاسبات کشور، تهران. نویسنده مسئول. رایانامه: Dorafshaniyanp@gmail.com

منبع اصلی تصمیم‌گیری ذی‌نفعان کلیدی شرکت‌ها، همواره گزارشگری مالی و مشخصه‌های مرتبط با آن بوده است. بحث گزارشگری مالی منبع اندازه‌گیری و اطلاع‌رسانی قوی و عنصر اصلی برای کمک به شرکت‌ها در زمینه‌های مختلف به حساب می‌آید زیرا از طریق ارائه مجموعه کامل صورتهای مالی حسابرسی شده، نقش بسیار مهمی در ارتباط بین شرکت و سهامداران و همچنین سایر ذی‌نفعان ایفا می‌کند. اعتبار و شفافیت در صورتهای مالی شرکت بستگی به اثر مکانیزم‌های نظارتی و کنترلی دارد و این امر منجر شده تا محققان به بررسی موضوعات مرتبط با حاکمیت شرکتی (راهبری شرکتی) بپردازند. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از کمیته‌های تخصصی هیئت مدیره نقش با اهمیتی در جهت بهبود عملیات و حصول اطمینان از کیفیت گزارشگری مالی دارد. همچنین کمیته حسابرسی به عنوان یک رابط بین حسابرس مستقل و هیئت مدیره عمل کرده و روند نظارت را با کاهش عدم تقارن اطلاعات بین حسابرس مستقل و هیئت مدیره بهبود می‌بخشد. علاوه بر این، به این دلیل که مسئول استخدام حسابرس مستقل و نظارت بر کیفیت حسابرسی شرکت است، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مکانیزم‌های راهبری درون شرکتی در نظر گرفته می‌شود. همچنین بورس اوراق بهادار این مهم را برای نظارت بر کیفیت صورتهای مالی و گزارش‌های مالی شرکت‌های بورسی اجباری نموده است. این موارد سبب شده تا کمیته حسابرسی بر مدیریت سود شرکت‌ها تأثیرگذار باشد. یکی از مباحثی که در سال‌های اخیر مد نظر قرار گرفته جبران خدمات کمیته از قبیل حق حضور و پاداش است. علاوه بر آن مالکیت شرکت نیز مسئله مهمی است که بر رابطه بین حق‌الزحمه کمیته حسابرسی با مدیریت سود موثر است، به خصوص سهامداران عمده که به دلیل تعداد بالای سهامشان قدرت نفوذ بیشتری در تصمیمات دارند. مالکیت به دلیل منافی که در شرکت دارد دارای تأثیرات زیادی بر شرکت هستند. تحقیقات نشان داده‌اند که گرچه هر دو کمیته حسابرسی و تمرکز مالکیت نقشی نظارتی دارند و رفتارهای فرصت‌طلبانه را کاهش می‌دهند (الروالی ۱، ۲۰۲۴؛ حیدری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹؛ مقدم و قدردان، ۱۳۹۸)، اما ممکن است این دو عامل نظارتی دارای اثربخشی نباشند و سبب افزایش رفتارهای نامناسب مدیران همچون مدیریت سود شوند (ناز ۲ و همکاران، ۲۰۲۴؛ آلبوسی و همکاران، ۲۰۲۲؛

1. Alruwaili

2. Naz

اخروی جوقان و همکاران، ۱۳۹۷؛ نصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۶). علت این امر می‌تواند ناشی از عدم وجود قوانین محکم برای بهبود مولفه‌های نظارتی مربوطه باشد. این موارد سبب شده در میزان تاثیر گذاری کمیته حسابرسی بر مدیریت سود اطلاعات ضد و نقیضی مطرح شده باشد. لذا مسئله اصلی پژوهش حاضر پیش‌بینی مدیریت سود با متغیرهای حق حضور کمیته حسابرسی، تمرکز مالکیت و سایر متغیرهای مالی و غیر مالی است.

اهمیت بررسی مسئله حاضر از آنجا نشأت می‌گیرد که مدیریت سود همواره یکی از دغدغه‌های اصلی سرمایه‌گذاران و سهامداران شرکت است و ناظران شرکت‌های سهامی عام برای افزایش اطمینان و اعتماد سهامداران دستورالعمل‌ها و قوانینی در رابطه با مولفه‌های راهبری شرکتی ارائه نموده‌اند. این موارد عمدتاً مرتبط با کنترل‌های داخلی و کمیته حسابرسی می‌باشد. کمیته‌های حسابرسی در اکثر بازارهای سرمایه اجباری است (مانند استرالیا) و در برخی نیز (مانند چین) اختیاری است. در دنیای اقتصادی امروز بررسی تعیین‌کننده‌های کلیدی شکل‌گیری کمیته حسابرسی و تحلیل تاثیر آن بر روی متغیرهای مالی شرکتها در بازار سرمایه موضوع تحقیقات زیادی بوده است. در تحقیقات نشان داده شده که کمیته حسابرسی با اغلب متغیرهای مالی شرکتها رابطه دارد و به دلیل تاثیر بالای کمیته حسابرسی بر متغیرهای مالی، امروزه بحث قانونمندتر کردن بازارهای سرمایه با کمیته حسابرسی در بازارهای مختلف داغ شده است و در کشور ما نیز این موضوع در آیین‌نامه حاکمیت شرکتی بورس اوراق بهادار تهران مطرح شده است و همچنین منشور کمیته حسابرسی نیز تهیه شده است (در اجرای ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام) در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ شامل ۱۴ ماده و ۲ تبصره به تصویب هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و از تاریخ تصویب، لازم‌الاجراست). با توجه به اینکه بر اساس موارد مندرج در اهداف کمیته حسابرسی در منشور فوق کمک به سلامت گزارشگری مالی یکی از مهم‌ترین اهداف کمیته حسابرسی است لذا این کمیته در بهبود رویه‌های مدیریت سود در جهت حمایت از منافع مالکین شرکت دارای نقشی اساسی است، به خصوص اینکه از قانونمند شدن این موضوع حدود یک دهه می‌گذرد و هنوز راه برای ارتقای نقش کمیته حسابرسی وجود دارد و باید در این زمینه پژوهش‌های بیشتری انجام شود (جفائی‌رهنی و صالحی، ۱۴۰۳). در این میان باید به نقش مهم مالکیت به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان شرکت توجه شود. امروزه پراکندگی مالکان در شرکت‌های سهامی باعث شده که رابطه آنها با شرکت را به سختی بتوان در قالب مالکیت سنتی تجسم نمود. سهامداران این شرکتها به جز استحقاق دریافت بخشی از درآمد و منافع شرکت مطابق با سهم خود، در

سایر موارد از حقوق چندانی برخوردار نیستند. این موضوع تعارض بین مالکان و مدیران را نشان می‌دهد و ماحصل این تعارض چیزی جز خدشه‌دار شدن حق مالکیت سهامداران نیست. به این ترتیب، مشخص می‌شود که سهامداران شرکت‌های سهامی عام آنچنان پراکنده شده‌اند که فاقد قدرت و اشتیاق لازم برای اصلاح و محدود کردن سمت و سویی هستند که مدیران این شرکت‌ها در پیش خواهند گرفت. در نتیجه، به علت دور افتادن مالکیت از کنترل در این شرکت‌ها، نخستین شواهد در مورد تأثیرپذیری عملکرد شرکت از مالکیت و کنترل به دست می‌آید. بنابراین، منطقی به نظر می‌رسد سلامت مالی شرکتی که سهامداران عمده آن دارای سهام بیشتری هستند، بهتر از شرکتی باشد که سهامداران عمده آن سهام کمتری در اختیار دارند و بنابراین تأثیر بالای تمرکز مالکیت بر رابطه معیارهای حاکمیت شرکتی مانند کمیته حسابرسی با مدیریت سود مشخص می‌گردد (عبدالهی و مشایخ، ۱۳۹۰؛ الروالی، ۲۰۲۴).

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بسیاری از پژوهشگران صاحب‌نظر در زمینه مدیریت سود هیپ‌ورث<sup>۱</sup> را نخستین کسی می‌دانند که بحث مدیریت و هموارسازی سود را معرفی کرده است (دیفاند و جیمبالو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴). در متون تحقیق تعاریف مختلفی از مدیریت سود انجام شده است؛ در اینجا به چند نمونه بسنده می‌شود. مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران قضاوت خویش را در گزارشگری مالی و در نحوه ثبت و گزارش مبادلات به صورتی وارد نمایند که تغییری در محتوای گزارش‌های مالی صورت داده، یا برخی از سهامداران را نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت گمراه نمایند و یا بر معیارها و پیامدهای قراردادی که وابسته به ارقام حسابداری گزارش شده‌اند، تأثیر گذارند (آرا<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). اسچپیر<sup>۴</sup> (۱۹۸۹) مدیریت سود را چنین تعریف نموده است «دخالتمدی در فرآیند گزارشگری برون‌سازمانی با هدف به دست آوردن برخی از مزایای شخصی از سوی مدیران یا سهامداران» وی بلافاصله می‌افزاید «تعریف جامع‌تر مدیریت سود باید دربرگیرنده مدیریت سود واقعی ایجادشده از راه تصمیمات زمان‌بندی سرمایه‌گذاری یا تصمیمات تأمین مالی برای تغییر سود گزارش شده یا برخی از اجزای آن نیز باشد.»

<sup>۱</sup>. Hepworth

<sup>۲</sup>. Defond & Jiambalvo

<sup>۳</sup> Arai

<sup>۴</sup>. Schipper

مدیرانی که تحت فشار بازار و سهامداران هستند تمایل دارند که به بهای از دست دادن منافع بلندمدت سرمایه‌گذاری‌های پربازده، پروژه‌های زودبازده با منافع کوتاه‌مدت را برگزینند. بنابراین افزایش استحکام مدیریت به کاهش گرایش وی به دستکاری حسابها و مدیریت سود منجر خواهد شد. از سوی دیگر، مبانی تئوریک پیشین استدلال می‌کنند که ارزش شرکت پس از ورود مدیران مستحکم به مقوله مدیریت سود و دستکاری حسابها در راستای تحقق سودهای پیش‌بینی شده، کاهش می‌یابد، چراکه سرمایه‌گذاران این رفتار مدیران مستحکم را به اهداف منفعت‌طلبانه آنها مرتبط می‌دانند. این در حالی است که براساس فرضیه منافع بلندمدت، مدیران مستحکم می‌توانند از راههای بسیار ساده‌تر و مستقیم‌تر نسبت به مدیریت سود، برای سلب مالکیت از سهامداران استفاده کنند (اسکات، ۲۰۰۷).

## ۱-۲. انگیزه‌های مدیریت سود

از همان ابتدا که مفهوم مدیریت سود توسط محققین شناسایی شد بسیاری از تحقیقات به بررسی انگیزه‌های مدیریت سود پرداخته‌اند (ابورامادان<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). انگیزه‌های مدیریت سود را می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد (گراس و پروتی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷):

### الف) انگیزه‌های مربوط به تئوری نمایندگی

تئوری نمایندگی در نتیجه جدایی منافع مدیریت و مالکیت در شرکت‌ها ایجاد و به تجزیه و تحلیل تضاد منافع موجود بین طرف‌های رابطه نمایندگی می‌پردازد. فرض بنیادین این تئوری عمل افراد در جهت حداکثر کردن منافع شخصی‌شان است. منافی که گهگاه می‌تواند در تضاد با حداکثر کردن منافع شرکت باشد. به دلیل وجود تضاد منافع، مدیران لزوماً همیشه در پی کسب حداکثر منافع برای مالکان نخواهند بود. یکی از مهم‌ترین روابط نمایندگی رابطه بین مدیریت و مالکان شرکت است. مالکان در پی حداکثر شدن بازده سرمایه‌گذاری و قیمت اوراق بهادار می‌باشند، در حالی که مدیران طیف گسترده‌تری از نیازهای اقتصادی و روانی از جمله پاداش، امنیت شغلی و وظیفه‌مباشرتی را دارند (جنسن<sup>۳</sup>، ۱۹۸۶).

### ب) انگیزه‌های مربوط به بازار سرمایه

کاهش ریسک و افزایش بازده سهام: نتایج تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که مدیران برای کاهش ریسک و یا افزایش بازده سهام خود دست به مدیریت سود می‌زنند.

<sup>1</sup> Aboramadan

<sup>2</sup> Gross and Perotti

<sup>3</sup> Jensen

افزایش قیمت و عرضه اولیه سهام؛ مدیران جهت تشویق سرمایه‌گذاران برای خرید سهام و افزایش ارزش بازار شرکت نیز سود را دست‌کاری می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهند مدیران قبل از عرضه اولیه سهام شرکت دست به مدیریت سود می‌زنند.

عدم کارایی بازار؛ استفاده از اطلاعات محرمانه توسط افراد درون‌سازمانی نیز انگیزه‌ای برای مدیریت سود بوده است. این انگیزه به‌طور خاص به عدم کارایی بازار تکیه دارد. تحقیقات قبلی نشان می‌دهد مدیران با استفاده از اطلاعات محرمانه سود شرکت را به گونه دلخواه مدیریت کرده‌اند (ابورمادان، ۲۰۲۰؛ گراس و پروتی، ۲۰۱۷؛ آرا و همکاران، ۲۰۱۳؛ اسکات، ۲۰۰۷).

### ج) انگیزه‌های مربوط به قراردادهای بدهی

شرکت‌هایی که نیاز به استقراض بالا دارند در سال‌های قبل از انعقاد قراردادهای بدهی سود خود را مدیریت می‌کنند (اسکات، ۲۰۰۷).

### د) سایر انگیزه‌ها

در برخی از تحقیقات انگیزه‌های سیاسی و استفاده از حمایت‌های دولتی نیز مورد توجه قرار گرفته است (فرمیگا و میراندا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴؛ اسکات، ۲۰۰۷). برخی از محققین نیز انگیزه‌هایی که برخی از صنایع خاص وجود دارد مثل بانکداری (بن رجب<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۴؛ گونگ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۳) و بیمه (لنگ و همکاران، ۲۰۱۰) پرداخته‌اند.

رسوایی‌های مالی در دو دهه اخیر نشان می‌دهد مدیران گاهی اوقات سهامداران را در مورد عملکرد اقتصادی شرکت با تهیه صورتهای مالی که ارزش شرکت را به‌طور مطلوب و به موقع نشان نمی‌دهد، همراه می‌سازند. مدیریت سود یکی از مواردی است که مدیران مورد توجه قرار می‌دهند تا با کمک آن عملکرد خود را متفاوت نشان دهند (اوسی و کلیبی، ۲۰۲۳). مدیریت سود پدیده نوینی نیست و از مدت‌ها پیش به شکل‌های مختلفی وجود داشته است. همچنین مدیریت سود به فرآیندی اطلاق می‌شود که حسابداران بوسیله آن از دانش خود و رویه‌های حرفه حسابداری جهت دستکاری ارقام مندرج در گزارش‌های مالی و حساب‌های واحد تجاری استفاده می‌کنند. مدیریت سود در اغلب مواقع می‌تواند باعث فریب دادن حساب‌برسان و قانون‌گذاران شده و آنان را به اشتباه بیندازد. برای مثال می‌توان به واقعه شرکت‌های انرون و ورلدکام اشاره کرد. مدیریت سود اغلب به روش‌های مختلفی انجام می‌شود. قادری و همکاران (۱۳۹۹) و قادری و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که می‌توان از روش‌های داده‌کاوی فراابتکاری برای پیش‌بینی مدیریت سود استفاده کرد. یکی از مباحثی که بر کاهش رفتارهای فرصت

<sup>1</sup> Formiga Miranda and Machado

<sup>۲</sup> Ben Rejeb

<sup>3</sup> Gong

<sup>4</sup> Lang

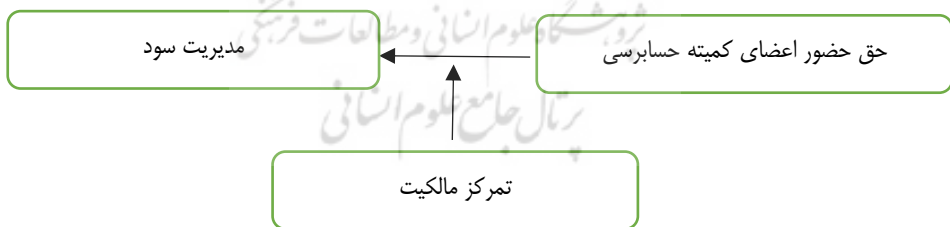
طلبانه اثرگذار است کمیته حسابرسی و مالکین عمده هستند که با نقش نظارتی خود بر رفتارهای فرصت طلبانه مدیران اثرگذارند. مکانیسم های مهم حاکمیت شرکتی که بر مدیریت سود اثرگذارند کمیته حسابرسی و نوع مالکیت هستند که با نقش نظارتی که دارند بر هزینه های نمایندگی شرکت اثرگذارند (دیویس و گارسیا-کیستونا، ۲۰۲۳؛ نصیرزاده و همکاران، ۱۳۹۶). تشکیل کمیته های حسابرسی در سالهای اخیر یکی از مهمترین اقدامات شرکتها در راستای راهبری بنگاه است. به دنبال تصویب منشور کمیته حسابرسی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار اظهار نظرهای متعددی در رابطه با کارکردها و اثربخشی واقعی آن ارائه شده است. اکنون نیز با گذشت چند سال از تشکیل کمیته ها این موضوع از اهمیت بیشتری برخوردار شده است (علوی و قائمی، ۱۳۹۶). تئوری نمایندگی همواره به عنوان یک نظریه قوی حامی ارائه راه کارهای نظارتی در جهت کاهش پدیده های منفی همچون مدیریت سود بوده است.

ساعتی و دشتی (۱۴۰۳) ارتباط بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های دولتی و خصوصی را تأیید نمودند. جفائی رهنی و صالحی (۱۴۰۳) اثر تمرکز مالکیت بر رابطه بین مدیریت سود و سرمایه گذاری در مخارج تحقیق و توسعه را رد نکردند. رضایی و طاهر آبادی (۱۴۰۲) رابطه استقلال کمیته حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت با مدیریت سود را در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأیید نمودند. تجویدی و قائم پناه (۱۴۰۰) نشان دادند که مشخصه های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تأثیرگذار است. مقدم و قدردان (۱۳۹۸) نشان دادند زمانی که درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی در شرکتها بیش از ۴۵٪ باشد مدیریت سود توسط مدیریت کاهش می یابد. علاوه بر این یافته های پژوهش حاکی از این است که بین کیفیت حسابرسی و دستکاری سود رابطه منفی و معناداری برقرار است. همچنین، یافته ها در این پژوهش نشان می دهد که بین وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره و وجود حسابرسان داخلی و مدیریت سود توسط مدیریت رابطه معناداری وجود ندارد. در تحقیق نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) بین تجربه کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری مشاهده گردید. نیکومرام و پازوکی (۱۳۹۴) نشان دادند که رابطه ای مثبت و مستقیم میان پاداش مدیریت و پایداری سود وجود دارد. حساس یگانه و یزدانیان (۱۳۸۷) نشان دادند که معیارهای حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود اثرگذار است. آتایا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که اجتناب مالیاتی و مدیریت سود رابطه دارند و بحران بر یان رابطه اثرگذار است. الروالی (۲۰۲۴) نشان داد که مشخصه های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود اثرگذار است. اوسی و کلیبی (۲۰۲۳) نشان دادند که دوگانگی وظایف مدیر عامل بر مدیریت سود تأثیرگذار است و مالکیت خانوادگی بر این رابطه نقش میانجی بازی می کند. دیویس و گارسیا-کیستونا (۲۰۲۳) نشان دادند که بین مالکیت نهادی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد. آلکبسی و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که بین حق حضور کمیته حسابرسی و

<sup>۱</sup> . Atayah

مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد و تمرکز مالکیت بر این رابطه اثرگذار است. پژوهش بانسل<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) نشان داد که هر چه ویژگی‌های ساختاری مانند تعداد سرمایه‌گذار نهادی بیشتر باشد سود حسابداری بیشتر دستکاری می‌شود. پژوهش آچ<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) نشان داد که تنوع جنسیت هیات مدیره بر تقلب در حسابداری اثرگذار است. پژوهش ساموئل (۲۰۲۱) نشان داد که ویژگی‌های تخصصی مانند توانایی افراد و ناظران موجب کشف اشتباه اشتباهات شده و می‌تواند گزارش حسابداری را تقویت کند. پژوهش دیانا<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که هر چه تعهدپذیری افراد و جدیت مسئله بیشتر باشد احتمال گزارشگری با کیفیت با ارقام حسابداری بیشتر خواهد بود. پژوهش مانئا و مانئا<sup>۴</sup> (۲۰۲۱) نشان داد که ویژگی‌های سازمانی (ویژگی‌های شرکت) بر گزارشگری مالی نقش قابل توجهی دارند. اندازه و سطح فعالیت شرکت و ویژگی‌های مالکیتی از جمله ویژگی‌های شرکت محسوب می‌شوند. همچنین آنها بیان نمودند شرکت‌های بزرگ به دلیل داشتن منابع مالی زیاد، قادرند کارمندان حسابداری بیشتری با تخصص و تحصیلات بالاتر و سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته‌تری را به خدمت بگیرند و حساب‌های خود را تغییر دهند. در پایان بر اساس مبانی و چارچوب نظری، مدل مفهومی و فرضیه‌های زیر تدوین و مورد آزمون قرار گرفتند:

- ۱- فرضیه اول: بین حق حضور اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
- ۲- فرضیه دوم: بین حق الزحمه نقدی اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی تمرکز مالکیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.



مدل مفهومی: منبع (آلکبسی و همکاران (۲۰۲۲))

1. Bansal  
 2. Ach  
 3. Diana  
 4. Manca & Manca

### ۳. روشی شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی و همچنین کاربردی است. از لحاظ استدلال از نوع استقرایی است که بر اساس مشاهدات به بیان نتیجه تحقیق می‌پردازد. اطلاعات مربوط به ۸۴ شرکت در دوره زمانی ۵ ساله از سال ۱۴۰۱ تا سال ۱۳۹۷ (۴۱۰ مشاهده/ سال - شرکت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند تا ارتباط بین متغیرها برای آزمون فرضیه‌های تحقیق بررسی شود. داده‌های مدل رگرسیونی از سایت کدال و نرم افزار ره آورد نوین دریافت شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار Excel محاسبه و با نرم‌افزار Spss ۱۸ و Eviews ۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. متغیرها به شرح ذیل محاسبه می‌شوند:

جدول ۱: محاسبه متغیرهای مدل پژوهش

نقش	متغیر (پارامتر)	تعریف عملیاتی
وابسته	مدیریت سود	مدیریت سود = باقیمانده مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)
مستقل	حق حضور کمیته حسابرسی	لگاریتم مجموعه حق الزحمه های سالانه اعضای کمیته حسابرسی
تعدیلی	تمرکز مالکیت	درصد کل سهام متعلق به سهامداران بزرگی که حداقل ۵ درصد از سهام را در اختیار دارند
کنترلی	نسبت مدیران مستقل کمیته حسابرسی	نسبت مدیران مستقل کمیته به کل افراد کمیته حسابرسی
	تعداد اعضای کمیته حسابرسی	تعداد اعضا کمیته حسابرسی
	تخصیص مالی کمیته حسابرسی	نسبت افراد کمیته دارای مدارک حسابداری و مرتبط با مالی به کل اعضا
	عضو دارای سابقه مرتبط در کمیته حسابرسی	تعداد افراد کمیته دارای سابقه مرتبط با عضویت در کمیته حسابرسی به کل اعضا
	استقلال هیئت مدیره	تعداد افراد غیر موظف تقسیم بر کل اعضای هیئت مدیره
	جمع دارایی ها	لگاریتم جمع کل دارایی ها
	اهرم مالی	تقسیم کل بدهی ها بر کل دارایی ها
	بازده دارایی ها	سود خالص تقسیم بر کل دارایی ها
	زیان	اگر شرکت در سال T زیان ده باشد ۱ و در غیر اینصورت ۰
	نسبت ارزش بازار به ارزش اسمی	با استفاده از تقسیم ارزش بازار (ارزش دفتری بدهی + تعداد سهام * ارزش بازار هر سهم) به ارزش اسمی حاصل می شود. در نهایت لگاریتم طبیعی حساب می شود.
نسبت جریان نقد عملیاتی	جریان نقد عملیاتی تقسیم بر کل دارایی های شرکت و در نهایت لگاریتم طبیعی حساب می شود.	

### ۴. تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در جدول شماره ۲ آورده شده است که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزاست. متغیر مدیریت سود بر اساس باقیمانده مدل کوتاری و همکاری در نرم افزار ایویوز به صورت سه دوره ای محاسبه می شود:

جدول ۲: آمار توصیفی برای متغیرهای تحقیق

متغیرها و نماد مدل رگرسیونی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
lnAEM	۱۴	۱	۱۰	۱۷
ACCOM	۱۷	۱	۱۴	۲۰
CONC	۹۶	۶	۷۲	۱۰۰
SIZE	۱۵	۲	۱۰	۲۱
LOSS	-۰/۱۳	۰/۳۴	۰	۱
ROA	۱۶	۱۹	-۵۱	۱۲۲
LEV	۵۰	۳۰	۰	۲
OPCF	۱۴	۱۵	۰	۱۷
MTB	۱۴	۱۵	۰	۱۷
BID	۶۵	۲۲	۰	۱۰۰
ACS	۲	۲	۰	۶
ACID	۳۸	۳۷	۰	۱۰۰
ACF	۵۲	۴۶	۰	۱۰۰
ACWE	۲۶	۳۰	۰	۱۰۰

\*ارزش بازار شرکت‌ها نسبت به ارزش اسمی بسیار زیاد است.

طبق جدول (۲) نتایج آمار توصیفی برای متغیر مستقل نشان داد که میانگین حق حضور کمیته حسابرسی در شرکت‌های مورد بررسی ۱۷ بوده است و حداقل و حداکثر به ترتیب ۱۴ و ۲۰ می‌باشد.

#### ۴.۱. بررسی نرمالیتی توزیع متغیر وابسته

نرمال بودن باقیمانده‌های مدل رگرسیونی یکی از فرض‌های رگرسیون است که نشان‌دهنده اعتبار آزمونهای رگرسیونی است. جدول شماره (۳) نتایج را نشان می‌دهد:

جدول ۳: آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمالیتی

متغیر وابسته	میانگین	انحراف معیار	مقدار Z	مقدار احتمال	نتیجه
لگاریتم طبیعی مدیریت سود	۱۴	۱/۳	۱/۰۸	۰/۱۹	نرمال است

مقدار احتمال برای لگاریتم متغیر وابسته مقدار احتمال برابر با ۰/۱۹ بدست آمده است چون این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ است لذا فرض صفر نرمال بودن این متغیر رد نمی‌شود.

#### ۴.۲. همسانی واریانس

نداشتن الگوی منظم در نمودارهای باقیمانده موید همسانی واریانس است. در نمودار زیر همسانی واریانس لگاریتم طبیعی متغیر وابسته از روی تصادفی بودن داده‌ها مشخص است.



نمودار ۱: نمودار پراکنش باقیمانده لگاریتم طبیعی مدیریت سود

### ۴,۳. تحلیل پانلی و انتخاب مدل

با توجه به نتایج در این بخش، مدل مناسب انتخاب می گردد:

جدول ۴: نتایج آزمون چاو و آزمون هاسمن

فرضیه	مدل	آزمون چاو یا لیمر		آزمون هاسمن	
		مقدار	مقدار احتمال	کای-دو	احتمال
اول	اول	۲/۰۹	۰/۰۰۰	۱۹/۱	۰/۱۲
		۱۷۶/۰۵	۰/۰۰۰		
دوم	دوم	۲/۱۰	۰/۰۰۰	۲۱/۵	۰/۰۹
		۱۷۷/۵۱	۰/۰۰۰		

مقدار احتمال آزمون چاو برای مدل اول و دوم برابر با  $۰/۰۰۰$  است که این مقادیر کمتر از  $۰/۰۵$  است، بنابراین مدل‌های مورد استفاده از نوع مدل‌های با اثرات است براساس آزمون هاسمن مقادیر احتمال برای مدل‌های اول و برابر با  $۰/۱۲$  و برای مدل دوم برابر با  $۰/۰۹$  است که هر دو بیشتر از  $۰/۰۵$  است که نشانگر مدل با اثرات تصادفی است. اگر بر خلاف مدل با اثرات ثابت، عرض از مبدا ها (یعنی  $\alpha$  ها) در هر یک از مقاطع مقادیر ثابتی نباشند، بلکه به صورت تصادفی انتخاب شوند و همچنین مستقل از متغیرهای توضیحی (یعنی  $X$  ها) باشند، آنگاه مدل با اثرات تصادفی خواهد بود. **فرضیه اول:** بین حق حضور اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

در جدول زیر مدل با اثرات تصادفی برآورد شده است مقدار احتمال معنی‌داری  $F$  برای آن برابر با  $۰/۰۰۰$  است. این مقدار کمتر از  $۰/۰۵$  است بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود یعنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل معنی‌داری وجود دارد. میزان ضریب تعیین برابر با  $۰/۴۱$  است یعنی در حدود ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل بیان می‌گردد. مقدار آماره دوربین و اتسون برابر با  $۱/۷۰$  است مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم خودهمبستگی باقیمانده‌ها که یکی دیگر از فروض رگرسیون است را نشان می‌دهد. ( بنابراین خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها وجود ندارد).

جدول ۵: برآورد و آزمون پارامترهای مدل اول

متغیرها	ضرایب	مقدار تی	احتمال	نتیجه	تلورانس
مقدار ثابت	۸	۵	۰/۰۰۰	معنادار و مثبت	-
حق حضور کمیته حسابرسی	-۰/۳۳	۵	۰/۰۰۰	معنادار و مثبت	۱/۲
تمرکز مالکیت	-۰/۰۲۲	-۲/۳	۰/۰۲۴	معنادار و منفی	۱/۲
اندازه شرکت	-۰/۱۱	۳	۰/۰۰۷	معنادار و مثبت	۲/۷
زیان	-۰/۸۴	۵	۰/۰۰۰	معنادار و مثبت	۱/۵
بازده دارایی‌ها	-۰/۰۳۰	۹	۰/۰۰۰	معنادار و مثبت	۱/۷
نسبت بدهی	-۰/۱۷	-۰/۸	۰/۴۳	بی‌معنی	۱/۴
جریان نقدی عملیاتی	۰/۰۰۰۰۰۰۱۲	۵	۰/۰۰۰	معنادار و مثبت	۱/۶
ارزش بازار به ارزش اسمی	۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۳	-۰/۴	۰/۷	بی‌معنی	۱/۸
استقلال هیئت مدیره (درصد)	-۰/۰۰۲	-۰/۹	۰/۴	بی‌معنی	۱/۰۹
تعداد اعضای کمیته حسابرسی	-۰/۰۲	-۰/۳	۰/۸	بی‌معنی	۶/۰۷
نسبت مدیران مستقل کمیته حسابرسی	-۰/۰۰۳	۱/۳	۰/۲۰	بی‌معنی	۳/۷
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	-۰/۰۰	-۰/۰۵	۱	بی‌معنی	۶/۸
عضو دارای سابقه مرتبط در کمیته حسابرسی	-۰/۰۰۳	-۱/۳	۰/۲۰	بی‌معنی	۲/۲
F مقدار		۲۱/۲		F مقدار احتمال	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۴۱		دوربین واتسون	۱/۷

$$\ln AEM_{it} = \beta_0 + \beta_1 ACCOM_{it} + \beta_2 CONC_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 LOS_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 OPCF_{it} + \beta_8 MTB_{it} + \beta_9 BID_{it} + \beta_{10} ACS_{it} + \beta_{11} ACID_{it} + \beta_{12} ACD_{it} + \beta_{13} ACWE_{it} + \varepsilon_{it}$$

موارد بی معنی از مدل حذف می شوند.

مقادیر تلورانس (عامل افزایش واریانس) شاخصی برای بررسی همخطی بین متغیرهای مستقل است در صورتیکه مقدار آن بالاتر از ۱۰ باشد احتمال وجود همخطی بین متغیرهای مستقل وجود دارد. میزان این شاخص برای متغیرها کمتر از ۱۰ بوده و بیشترین مقدار آن برابر با ۶/۸۵ (برای متغیر تخصیص مالی کمیته حسابرسی) است. مقدار آماره تی برای حق حضور کمیته حسابرسی برابر با ۴/۸ است این مقدار چون در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد، لذا رابطه حق حضور کمیته حسابرسی با متغیر وابسته مدیریت سود معنادار و مثبت است. همچنین مقدار آماره تی برای تمرکز مالکیت برابر با ۲/۳- (معنادار و منفی)، برای اندازه شرکت برابر با ۲/۷ (معنادار و مثبت)، برای زیان برابر با ۴/۷ (معنادار و مثبت)، برای بازده دارایی‌ها برابر با ۹ (معنادار و مثبت)، برای نسبت بدهی برابر با ۰/۸ (بی‌معنی)، برای جریان نقدی عملیاتی برابر با ۵ (معنادار و مثبت)، برای ارزش بازار به ارزش اسمی برابر با ۰/۶۶ (بی‌معنی)، برای استقلال هیئت مدیره (درصد) برابر با ۰/۹- (بی‌معنی)، برای تعداد اعضای کمیته حسابرسی برابر با ۰/۳- (بی‌معنی)، برای نسبت مدیران مستقل کمیته حسابرسی برابر با ۱/۲۸ (بی‌معنی)، برای تخصیص مالی کمیته حسابرسی برابر با ۰/۰۵- (بی‌معنی) و در نهایت برای عضو دارای سابقه مرتبط در کمیته حسابرسی برابر با ۱/۳- (بی‌معنی) است.

**فرضیه دوم:** بین حق حضور اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود با در نظر گرفتن نقش تعدیل کنندگی تمرکز مالکیت رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

مدل زیر برای بررسی مورد استفاده قرار گرفته است. مقدار احتمال معنی داری F برابر با ۰/۰۰۰ است. این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود یعنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل معنی داری وجود دارد. میزان ضریب تعیین برابر با ۰/۴۲ است یعنی در حدود ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترل بیان می گردد. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۷ است که نشانگر عدم خودهمبستگی بین باقیمانده هاست. مقادیر VIF برای متغیرها کمتر از ۷ بوده که کمتر از حدود ۱۰ است لذا همخطی بین متغیرها وجود ندارد.

جدول ۶: برآورد و آزمون پارامترهای مدل دوم

پارامترها	ضرایب	مقدار تی	احتمال	نتیجه	تلورانس
مقدار ثابت	۹/۰۰۲	۵/۲	۰/۰۰۰	معنادار و مثبت	—
حق حضور کمیته حسابرسی	۰/۲۱	۲/۳	۰/۰۲۱	معنادار و مثبت	۲/۴
تمرکز مالکیت	-۰/۰۳۲	-۳	۰/۰۰۳	معنادار و منفی	۱/۷۵
تأثیر تمرکز مالکیت	-۰/۰۰۱	۲/۰۰	۰/۰۴۷	معنادار و مثبت	۲/۶
اندازه شرکت	-۰/۱۰۸	۲/۶۱	۰/۰۰۹	معنادار و مثبت	۲/۷
زبان	-۰/۸۱۹	۴/۵۸	۰/۰۰۰	معنادار و مثبت	۱/۵
بازده دارایی‌ها	-۰/۰۳	۸/۸۲	۰/۰۰۰	معنادار و مثبت	۱/۷
نسبت بدهی	۰/۱۵۷	-۰/۷۲	-۰/۴۷۲	بی‌معنی	۱/۴
جریان نقدی عملیاتی	۰/۰۰۰۰۰۱۲	۵/۳۱	۰/۰۰۰	معنادار و مثبت	۱/۶۳
ارزش بازار به ارزش اسمی	۰/۰۰۰۰۰۰۰۴	-۰/۵۹	-۰/۵۵۷	بی‌معنی	۱/۸۰
استقلال هیئت مدیره (درصد)	-۰/۰۰۲	-۰/۸۹	-۰/۳۷۴	بی‌معنی	۱/۰۹
تعداد اعضای کمیته حسابرسی	-۰/۰۱۴	-۰/۱۹	-۰/۸۵۰	بی‌معنی	۶/۱
نسبت مدیران مستقل کمیته حسابرسی	۰/۰۰۳	۱/۴۵	-۰/۱۷۸	بی‌معنی	۳/۸
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	-۰/۰۰۱	-۰/۲۶	-۰/۷۹۶	بی‌معنی	۷
عضو داری سابقه مرتبط در کمیته حسابرسی	-۰/۰۰۳	-۱/۲۲	-۰/۲۲۳	بی‌معنی	۲/۱۷
مقدار F		۲۰/۱۳		مقدار احتمال F	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۴۲		دوربین واتسون	۱/۷

موارد بی معنی از مدل حذف می شوند.

## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ادبیات مالی در خصوص هر موضوع نشأت گرفته از تئوری‌های مختلفی است. تئوری نمایندگی و تئوری ذی‌نفعان از مهم‌ترین تئوری‌های موجود در ادبیات مالی هستند. این تئوری‌ها نشان دهنده تضاد منافع بین مدیر با مالک و مدیر با سایر ذی‌نفعان است که سبب ایجاد هزینه‌هایی می‌شود. مکانیزم‌های نظارتی همچون کمیته حسابرسی و مالکیت با این پدیده مبارزه می‌کنند. هدف از این پژوهش پیش‌بینی مدیریت

سود با متغیرهای حق حضور کمیته حسابرسی، تمرکز مالکیت و سایر متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، زیان، بازده دارایی‌ها، نسبت بدهی، جریان نقدی عملیاتی، ارزش بازار به ارزش اسمی، استقلال هیئت مدیره (درصد)، تعداد اعضای کمیته حسابرسی، نسبت مدیران مستقل کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی و عضو دارای سابقه مرتبط در کمیته حسابرسی است. از اینرو با استفاده از داده‌های شرکتهای بورسی به بررسی این روابط پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد بین حق حضور اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت سود رابطه مثبت معناداری وجود دارد و نقش تعدیل‌کنندگی تمرکز مالکیت بر این رابطه تأثیر مثبت معناداری دارد. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های الروالی (۲۰۲۴) و آلکبسی و همکاران (۲۰۲۲) و ساعتی و دشتی (۱۴۰۳)؛ جفائی رهنی و صالحی (۱۴۰۳) تا حد زیادی همخوانی داشت. مدیریت سود به دلایل مختلفی انجام می‌شود، اما بطور خلاصه هدف اصلی آن تغییر در نتیجه گزارش‌های مالی و عملکرد شرکت است. در خصوص مدیریت سود آنچه که قابل طرح است باید به منافع ذینفعان کلیدی شرکت توجه شود و در نهایت این امر سبب افزایش ارزش شرکت گردد. بر روی مشخصه‌های کلیدی ناظران باید قوانین بیشتری نگاهشده شود تا میزان تأثیرگذاری کمیته حسابرسی و تمرکز مالکیت در جهت حفظ منافع ذی‌نفعان کلیدی بیشتر شود. گفتنی است که مدیران با کمک حسابداران، قانونگذاران با بی‌دقتی، حرفه حسابرسی با قصور و سرمایه‌گذاران با سهل‌انگاری در مدیریت سود نقش دارند. صورت‌های مالی غیر شفاف شامل وجود دارایی‌ها و بدهی‌های پنهان، وجود نسبت‌های مالی اشتباه، از دست رفتن ارزش پیش‌بینی صورت‌های مالی، از دست رفتن اعتماد عمومی و گمراه ساختن استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی پیامدهایی از مدیریت سود اند و به همین دلیل در خصوص مدیریت سود در ابعاد مختلف نیاز به تدوین استاندارد حسابداری و قوانین مناسب می‌باشد. یک راه استانداردهای مبتنی بر قواعد می‌باشد که امکان مقایسه بین شرکت‌ها و ثبات‌رویه را فراهم می‌کند و باعث کاهش جنبه‌های مختلف مدیریت سود می‌شود. نهایتاً اینکه مدیریت سود به دلیل ابهام و مشکلات فراوان در قوانین مالی، استانداردها و موارد مرتبط در بخش دولتی و خصوصی زیاد است و همین امر سبب شده تا از جامعه‌ای سالم فاصله داشته باشیم.

در خصوص فرضیه اول به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که با توجه به نوسانات شدیدی که هر ساله رخ می‌دهد حداقل چهار سال یکبار منشور کمیته حسابرسی به روز گردد و در خصوص اتفاقات احتمالی و موادی به منشور کمیته حسابرسی اضافه شود تا نقش اعضای کمیته حسابرسی در سلامت مالی شرکت‌ها افزایش یابد. همچنین توجه به نرخ حق حضور کمیته حسابرسی نیز باید به صورت دقیق‌تر مورد توجه قرار گیرد.

اعضای کمیته حسابرسی نیز باید همواره دانش مالی خود را ارتقا دهند تا بتوانند در زمینه نقش نظارتی خود موثر باشند و هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها را کاهش دهند.

حق حضور کمیته حسابرسی باید به صورت کاملاً حرفه‌ای توسط یک تیم فنی در سازمان بورس اوراق بهادار بررسی شود تا شرکت‌ها نتوانند به صورت جزیره‌ای عمل نمایند.

در خصوص فرضیه دوم نیز نیاز است که قوانینی در رابطه با ارائه گزارش‌های مالی به مالکین توسط نهادهای قانونگذار بررسی نگاشته شود.

سازمان بورس اوراق بهادار کلاس‌های آموزشی در جهت ارتقای مولفه‌های راهبری شرکتی در زمینه مالکیت و کمیته حسابرسی تشکیل دهند تا بتوانند دانش و فهم نظارت کلان بر شرکت‌های سهامی عام را افزایش دهند.

در جهت غنی نمودن ادبیات پژوهش به محققان آتی پیشنهاد می‌شود که علاوه بر کمیته حسابرسی تأثیر سایر معیارهای راهبری شرکتی را بر مدیریت سود بررسی نمایند و با یکدیگر مقایسه نمایند. همچنین بررسی تطبیقی تفاوت مشخصه‌های کمیته حسابرسی و مالکیت در کشورهای مختلف سبب غنی شدن ادبیات پژوهش خواهد شد.

### منابع فارسی

- ۱- اخروی جوقان، ابوزر، رحیمیان، نظام الدین، قره داغی، مریم. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر اثربخشی حسابرسی داخلی از دیدگاه اعضای کمیته حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۳)، ۳۱۱-۳۲۶. [10.22059/acctgrev.2018.246549.1007759](https://doi.org/10.22059/acctgrev.2018.246549.1007759)
- ۲- تجویدی، الناز، قائم پناه، محسن. (۱۴۰۰). ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود. تحقیقات حسابداری و حسابرسی (تحقیقات حسابداری)، ۱۳(۴۹)، ۱۵۵-۱۷۴. [10.22034/iaar.2021.131576](https://doi.org/10.22034/iaar.2021.131576)
- ۳- جفائی رهنی، منیر، صالحی، یگانه. (۱۴۰۳). اثر تمرکز مالکیت بر رابطه بین مدیریت سود و سرمایه گذاری در مخارج تحقیق و توسعه، شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران. <https://civilica.com/doc/2028320>
- ۴- حساس یگانه، یحیی، یزدانیان، نرگس. (۱۳۸۷). تاثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود. مطالعات حسابداری، ۱۷(۱۷)-۱۵۲-۱۷۱. [20.1001.1.28210166.1386.5.17.6.2](https://doi.org/10.1001.1.28210166.1386.5.17.6.2)
- ۵- حیدری نژاد، قدرت‌الله، جمشیدی نوید، بابک، و قنبری، مهرداد. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت کمیته حسابرسی. دانش حسابرسی، ۲۰(۷۹)، ۳۱۶-۳۴۷. <http://danesh.dmk.ir/article-1-2303-fa.html>
- ۶- رضایی، حلیمه، طاهر آبادی، علی اصغر. (۱۴۰۲). بررسی رابطه استقلال کمیته حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت با مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۶(۷۹)، ۱۲-۲۵. [https://www.jamv.ir/article\\_173359.html](https://www.jamv.ir/article_173359.html)
- ۷- عبدالمهی، مهین، مشایخ، شهناز. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت، عملکرد شرکت و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۴)، ۷۱-۸۶. [20.1001.1.23223405.1390.3.4.6.1](https://doi.org/10.1001.1.23223405.1390.3.4.6.1)
- ۸- علوی، سیدمصطفی، و قائمی، محمدحسین. (۱۳۹۶). آسیب شناسی کمیته‌های حسابرسی. دانش حسابرسی، ۱۷(۶۸)، ۱۲۷-۱۴۷. [SID. https://sid.ir/paper/519862/fa](https://sid.ir/paper/519862/fa)

- ۹- قادری، اقبال؛ امینی، پیمان و محمدی ملقونی، عطاءالله. (۱۳۹۹). بکارگیری الگو ترکیبی شبکه‌های عصبی مصنوعی با الگوریتم‌های فراکاوشی (ICA, PSO) در پیش‌بینی مدیریت سود. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۰(۲)، ۲۴۸-۲۱۳. 10.22051/jera.2018.19246.1952.213-248
- ۱۰- قادری، اقبال؛ امینی پیمان، محمدی عطاالله و نوروش ابرج. (۱۳۹۷). بررسی دقت شبکه‌های عصبی مصنوعی و الگوریتم بهینه‌سازی کلونی مورچگان در پیش‌بینی مدیریت سود. حسابداری مالی، ۱۰ (۳۹): ۸۲-۱۱۰. <https://civilica.com/doc/1328099>
- ۱۱- مقدم، عبدالکریم، قدردان، احسان. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر عدم دستکاری سود توسط مدیریت. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۸(۳۱)، ۵۹-۷۴. 10.22034/iaas.2019.99057.74-59
- ۱۲- نصیرزاده، فرزانه، اورادی، جواد، رجبعلی زاده، جواد. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۶(۲۴)، ۳۹-۵۲. [https://www.iaaaas.com/article\\_98693.html](https://www.iaaaas.com/article_98693.html)
- نیکومرام، هاشم، و پازوکی، پریسا. (۱۳۹۴). پاداش مدیریت و پایداری سود. حسابداری مدیریت، ۸(۲۴)، ۶۱-۷۱. SID. <https://sid.ir/paper/198909/fa>
- ساعتی، یگانه، دشتی، زهرا، (۱۴۰۳). ارتباط بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های دولتی و خصوصی. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۸(۲۹)، ۴۶۵-۴۸۶. <https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/2698>

## References

- 13- Aboramadan, M. (2020), "Human Resources Management in Non-profit Organizations: An Effective Approach to Manage Volunteers", Turkmenoglu, M.A. and Cicek, B. (Ed.) Contemporary Global Issues in Human Resource Management, Emerald Publishing Limited, Bingley, pp.47-49.
- 14- Ach, Maulidi, (2022). "Gender board diversity and corporate fraud: empirical evidence from US companies", Journal of Financial Crime, Emerald Group Publishing Limited, vol. 30(2), pages 309-331, March.
- 15- Aljifri, K., (2007). Measurement and Motivations of Earnings Management: A Critical Perspective. Journal of Accounting, Business and Management, 14. pp. 75-95
- 16- Alruwaili, T., F., (2024), the influence of audit committee attributes on earnings management: Evidence from listed insurance firms, Journal of Governance and Regulation 13(1):160-171.
- 17- Alkebbe, Radwan and Alheby, Adeeb and Tian, Gaoliang and Garefalakis, Alexandros, (2022), Audit Committee's Cash Compensation and Earnings Management: The Moderating Effects of Institutional Factors, Spanish Journal of Finance and Accounting, Vol 51, Issue 4, Pages 389-416.
- 18- Arai, K., Kitada, H. and Oura, K. (2013), "Using profit information for production management: evidence from Japanese factories", Journal of Accounting & Organizational Change, Vol. 9 No. 4, pp. 408-426.

- 19- Atayah, O., Marashdeh, H. and Hamdan, A. (2024), "Earnings management with the absence of income tax avoidance motivation: evidence from pre-, during, and post- global financial crisis", *Asian Journal of Accounting Research*, Vol. 9 No. 2, pp. 153-168. <https://doi.org/10.1108/AJAR-04-2023-0130>
- 20- Bansal, M. (2022), "Earnings management contagion: evidence from institutional equivalence", *Asian Journal of Accounting Research*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- 21- Ben Rejeb, M., Alzyadat, S. and Merzki, N. (2024), "Bank financial distress and earnings management strategies: evidence from MENA countries", *Asian Review of Accounting*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/ARA-10-2023-0290>
- 22- Davis, J.G. and García-Cestona, M. (2023), "Institutional ownership, earnings management and earnings surprises: evidence from 39 years of U.S. data", *Journal of Economics, Finance and Administrative Science*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- 23- Dechow, P.M. and Dichev, L.D. (2002), "The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors", *The Accounting Review*, Vol. 77, pp. 35-59. <https://www.jstor.org/stable/3203324>
- 24- DeFond, M. L., & Jiambalvo, J. (1994). Debt Covenant Violation and Manipulation of Accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 17, 145-176.
- 25- Degeorge, F., Patel, J., Zeckhauser, R., (1999), "detecting earning management to exceed thresholds", *Journal of Business*, Vol. 72 (1), 1–33.
- 26- Diana, A., Matechou, E., Griffin, J. E., Buxton, A. S., & Griffiths, R. A. (2021). "An RShiny app for modelling environmental DNA data: accounting for false positive and false negative observation error". *Ecography*, 44(12), 1838-1844.
- 27- Formiga Miranda, K. and Machado, M.A.V. (2024), "Earnings management, investor sentiment and short-termism", *Journal of Applied Accounting Research*, Vol. 25 No. 5, pp. 1146-1164. <https://doi.org/10.1108/JAAR-05-2023-0127>
- 28- Gong, G., Li, L., & Zhou, L. (2013). Earnings non-synchronicity and voluntary disclosure. *Contemporary Accounting Research*, 30 (4), 1560–1589.
- 29- Gross, C., Perotti, P. (2017). Output-based measurement of accounting comparability: A survey of empirical proxies. *Journal of Accounting Literature*, 39(22), 1-22.
- 30- Healy, Paul M. and Wahlen, James Michael, (1998), A Review of the Earnings Management Literature and its Implications for Standard Setting (November 1998). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=156445>
- 31- Jensen, Michael C, (1986). "Agency Costs of Free Cash Flow, Corporate Finance, and Takeovers," *American Economic Review*, American Economic Association, vol. 76(2), pages 323-329, May.
- 32- Lang, M., Maffett, M., Owens, E. (2010). Earnings Comovement and Accounting Comparability: The Effects of Mandatory IFRS Adoption. Working Paper, University of Rochester.

- 33- Manea, L., & Manea, L. R. (2021). "Accounting Difficulties Regarding Fictitious Operations". *Internal Auditing and Risk Management*, 61(1), 54-62.
- 34- Naz, A., Sheikh, N.A., Khatib, S.F.A., Al Amosh, H. and Ananzeh, H. (2024), "Illuminating the shadows: a systematic review of earnings management practices in family-owned enterprises and future research directions", *Journal of Business and Socio-economic Development*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- 35- Oussii, A.A. and Klibi, M.F. (2023), "Do CEO duality and expertise affect earnings management behavior? The moderating effect of family ownership", *Journal of Family Business Management*, Vol. 13 No. 4, pp. 1392-1409.
- 36- Ronen, J., Yaari V. (2008). *Earnings Management 'Emerging Insights in Theory, Practice and Research*. New York, Springer.
- 37- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335-370.
- 38- Samuel, B. (2021). "False accounting as formalizing practices: the computation of macroeconomic aggregates in African countries since structural adjustment", *History of Political Economy*, 53(S1), 81-110.
- 39- Schipper, K. (1989) Commentary on Earnings Management. *Accounting Horizons*, 3, 91-102.
- 40- Scott, W. R., (2007), *Financial Accounting Theory*, Termeh Publication, Tehran, Third Edition.